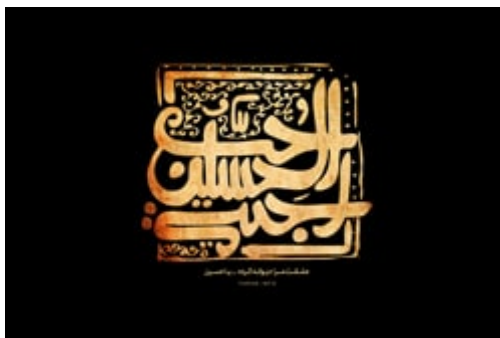


امام حسین (علیه السلام) الگوی زندگی «1»

<?xml encoding="UTF-8">



مقدمه

خداوند متعال برای سهولت پیمودن راه هدایت و رسیدن به قله های سعادت، علاوه بر دستورات و کتاب های آسمانی، الگوهای عملی را نیز معرفی فرموده است تا مردم با اقتدا به رفتار آنها راه حقیقت و راستی را به درستی و آسانی بیمایند. تمام انبیا از این افراد می باشند و در راس همه، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) قرار دارد. قرآن کریم در مورد اقتدا به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»؛ (1) «برای شما در [رفتار] رسول خدا الگوی نیکویی است.»

بعد از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اسوه های امت، امامان معصوم (علیهم السلام) و اهل بیت آن حضرت می باشند، و یکی از این اسوه ها، سرور شهیدان، حسین بن علی (علیه السلام) است. خود آن بزرگوار در نامه ای به سلیمان بن صرد خزاعی و مسیب و... نوشت: «فَلَكُمْ فِي أُسْوَةٍ»؛ (2) «برای شما در رفتار من الگو است.»

از این جهت لازم است شیعیان با اوصاف و ویژگی های آن بزرگوار آشنا شوند، و خود را با او هم‌رنگ نمایند. آنچه در پیش رو دارید، اشاره ای به برخی ویژگی ها و اوصاف سیدالشهداء، حسین بن علی (علیه السلام) است. مبلغان محترم می توانند در ماه محرم هر یک از این ویژگی ها را در یک سخنرانی مطرح کرده و آن را با توجه به شرایط منطقه تبلیغی خود و اضافه کردن چاشنی های سخنرانی ارائه کنند.

1. اخلاص و خدامحوری

در پیشگاه الهی تنها اعمالی ارزش دارد که با اخلاص و رضایت خداوند همراه باشد، به همین جهت تمام اعمال در قرآن کریم به نوعی مقید به اخلاص و قصد قربت شده اند. درباره جهاد می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ

هَاجِرُوا وَ جَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ (3) «کسانی که در راه خداوند جهاد کردند» و درباره شهادت می خوانیم «الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ (4) «کسانی که در راه خدا کشته شدند.» درباره انفاق می خوانیم: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ (5) «کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند.»

و کسانی را قرآن به عنوان اسوه مطرح نموده، که کارشان بر محور رضای خداوند بوده است، از جمله:

1. از زبان حضرت ابراهیم می خوانیم: «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ»؛ (6) بگو: نماز و تمام عبادات من، و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند، پروردگار جهانیان است. همتایی برای او نیست، و به همین مامور شده ام و من نخستین مسلمانم.»
2. درباره امیرمؤمنان در قرآن می خوانیم: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ»؛ «و از مردم کسی است که جان خود را به خاطر خشنودی خدا می فروشد، و خداوند نسبت به بندگان مهربان است.» (7)

3. قرآن درباره اهل بیت (علیهم السلام) می فرماید: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا * إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا»؛ (8) «غذا [ی خود] را با اینکه به آن علاقه دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می دهند [و می گویند]: ما شما را بخاطر خدا اطعام می کنیم، و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم.»

از آنچه بیان شد و غیر آن از آیات قرآن به خوبی استفاده می شود که اعمالی در پیشگاه الهی ارزش دارد که همراه با اخلاص و رضایت الهی باشد، و افرادی در نزد او منزلت دارند که در مسیر رضایت حق قدم بردارند.

اخلاص در روایات

1. همه چیز برای خدا:

علی (علیه السلام) فرمودند: «طُوبَى لِمَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ عَمَلَهُ وَ عِلْمَهُ وَ حُبَّهُ وَ بُغْضَهُ وَ أَخَذَهُ وَ تَزَكَّهُ وَ كَلَامَهُ وَ صَمْتَهُ؛ (9) خوشا به حال کسی که عمل و علم و دوستی و دشمنی و گرفتن و ترک کردن و سخن گفتن و سکوتش را برای خداوند خالص کرده است.»

از رجب علی خیاط نقل شده است که: «در تشییع جنازه آیت الله بروجردی رحمه الله جمعیت بسیاری آمدند و تشییع باشکوهی شد، در عالم معنا از ایشان پرسیدم که چطور شد از شما این اندازه تجلیل کردند؟ فرمود: تمام طلبه ها را برای خدا درس می دادم.» (10)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به اباذر فرمود: «يَا أَبَاذَرٍّ، لِيَكُنْ لَكَ فِي كُلِّ شَيْءٍ نِيَّةٌ صَالِحَةٌ، حَتَّى فِي النَّوْمِ وَ الْأَكْلِ؛ (11) ای ابوذرا! باید در هر کاری نیتی پاک داشته باشی، حتی در خوردن و خوابیدن.»

2. فقط اعمال خالص:

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «إِذَا عَمِلْتَ عَمَلًا فَأَعْمَلْ لِلَّهِ خَالِصًا لِأَنَّهُ لَا يَقْبَلُ مِنْ عِبَادِهِ الْأَعْمَالَ إِلَّا مَا كَانَ خَالِصًا؛ (12) هرگاه عملی انجام دادی، پس برای خدا خالصانه انجام بده؛ زیرا خداوند فقط اعمالی را از بندگان می پذیرد که خالصانه انجام شده باشد.»

3. راس طاعت:

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «رَأْسُ طَاعَةِ اللَّهِ الرَّضَا بِمَا صَنَعَ اللَّهُ فِيمَا أَحَبَّ الْعَبْدُ وَ فِيمَا كَرِهَ (13)؛ سر [و] اساس بندگی خداوند، راضی بودن به آن چیزی است که خداوند پیش می آورد؛ در آنچه بنده دوست دارد و یا ناخوشایند اوست.»

4. رضایت خدا یا مردم:

امام حسین (علیه السلام) فرمود: «مَنْ طَلَبَ رِضَى اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ أُمُورَ النَّاسِ وَ مَنْ طَلَبَ رِضَا النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ؛ (14) هرکس رضایت خدا را بخواهد هر چند با خشم مردم همراه شود؛ خداوند او را از امور مردم کفایت می کند، و هر کس که دنبال رضایت مردم باشد با به خشم آوردن خداوند، خداوند او را به مردم وامی گذارد.»

امام حسین (علیه السلام) و رضایت الهی

از بارزترین ویژگی ها و اوصاف امام حسین (علیه السلام) این است که در تمام زندگی، گفتار و رفتار و کردارش طبق رضایت حق و در مسیر الهی بود. جز از رضای خدا دم نزد و جز خدا ندید و جز سخن خدا نشنید و راستی که او به تمام معنی یک بنده سراپا تسلیم الهی بود. به نمونه هایی در این رابطه اشاره می شود:

1. قیام برای خدا:

آن حضرت فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ، وَ لَا التَّمَّاسِ شَيْءٌ مِنْ فُضُولِ الْحُطَّامِ وَ لَكِنْ لِنَرِدَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ، وَ نُظْهِرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تُقَامَ الْمُعْطَلَّةُ مِنْ حُدُودِكَ؛ (15)

بار خدایا! تو خود می دانی آنچه از ما سر زد، رقابت برای دستیابی به سلطنت و آرزوی زیاد کردن کالای بی ارزش دنیا نبوده است؛ بلکه برای این بوده که نشانه های دین تو را افراشته ببینیم و اصلاح را در شهرهای آشکار نماییم و بندگان ستمدیده ات منیت یابند و به واجبات و سنتها و احکام تو عمل شود.»

2. درخواست خشنودی خدا:

امام حسین (علیه السلام) در کنار قبر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به درگاه خداوند عرض می کند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُحِبُّ الْمَعْرُوفَ، وَأُكْرِهُ الْمُنْكَرَ، وَأَنَا أَسْأَلُكَ يَا ذَا الْجَلَالِ (16) وَالْإِكْرَامِ بِحَقِّ هَذَا الْقَبْرِ وَمَنْ فِيهِ إِلَّا اخْتَرْتُ لِي مِنْ أَمْرِي مَا هُوَ لَكَ رِضًى، وَلِرَسُولِكَ رِضًى، وَلِلْمُؤْمِنِينَ رِضًى؛ (17) خدایا! براستی من معروف را دوست دارم و منکر را زشت می دارم. ای خدای بزرگ و بزرگوار! من از تو می خواهم به حق این قبر [پیامبر اکرم] و کسی که درون آن است، که برای من در این قیام آنچه رضایت تو و پیامبرت در آن است پیش آوری.»

3. هرچه خدا بخواهد:

پس از آنکه امام حسین (علیه السلام) از مدینه به سوی مکه حرکت کرد، در مکه سخنان زیادی ایراد فرمود. در یکی از آنها فرمود: «الحمد لله وما شاء الله ولا قوة الا بالله... رضی الله رضانا اهل البيت نصبر على بلائه؛ (18) سپاس برای خداست، آنچه خدا بخواهد [همان خواهد بود] و قوتی جز برای خدا نیست...؛ خشنودی خدا، خشنودی ما اهل بیت است و در مقابل بلای او صبر می کنیم.»

4. فقط برای خدا:

هنگامی که تیر به سینه حضرت اصابت کرد و به زمین افتاد فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ؛ (19) به نام خدا و به یاد خدا و در راه خدا و بر دین رسول خدا [شهید می شوم].»

| | |
|----------------------------|------------------------------|
| الهی در رخت از سرگذشتم | هم از عون و هم از جعفر گذشتم |
| رضا دادم تنم بی سر بگردد | ستوران بر همه پیکر بگردد |
| رضا دادم که اکبر کشته گردد | تن پاکش به خون آغشته گردد |
| ز کینه پیکرم پامال گردد | ز عشقت سر زنی بر دار گردد |

امام حسین (علیه السلام) نه تنها در لحظه شهادت زمزمه «فی سبیل الله» به زبان داشت بلکه همیشه در صبحگاهان و شامگاهان این دعا را به زبان داشت: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ وَ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ وَ وَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ وَ قَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ إِنِّي أَسْأَلُ الْعَافِيَةَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ؛ (20) به نام خدا و به یاد خدا، از خداوند و به سوی او، و در راه او، بر آیین پیامبر او، و بر خداوند توکل کردم و نیرو و قدرتی جز به [اراده] خداوند بزرگ نیست. پروردگارا! جانم را به تو تسلیم کرده و چهره ام را به سوی تو گردانده و کارم را به تو واگذار نموده و از تو سلامتی از هر بدی در دنیا و آخرت را خواهانم.»
در سراسر دعای فوق خدامحوری، رضایت الهی، و خشنودی به رضایت خداوند موج می زند.

2. صبر و بردباری

یکی دیگر از صفات نیکو و کلیدی انسان، صفت صبر و بردباری است، صبر حالتی است نفسانی که اگر به حد اعلای خود برسد انسان را از بی قراری و اضطراب و شکایت از قضای الهی در برابر حوادث باز می دارد و قدرت ایستادگی در مقابل نفس و خواسته های آن را پیدا می کند و بر انجام واجبات و طاعات پایدار خواهد ماند؛ به همین جهت در منابع دینی صبر به سه قسم تقسیم شده است؛ صبر در مقابل بلاها و مصائب که نیکوست، و نیکوتر از آن صبر بر طاعت و بندگی است، و برتر از همه بردباری و استقامت در مقابل گناهان و شهوات است. (21)

صبر در قرآن

در قرآن کریم، آیات فراوانی درباره صبر و استقامت آمده است. گاهی به انبیاء و مؤمنان، دستور می دهد که صبر کنید، مانند:

«وَأَصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»؛ (22) «و در برابر مصیبتی که به تو می رسد شکیبا باش که این از کارهای مهم است.»

«فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ»؛ (23) «پس صبر و شکیبایی پیشه کن که وعده خدا حق است.»
و گاهی دستور می دهد که همدیگر را به صبر توصیه نمایید، مانند «وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»؛ (24) «همدیگر را به صبر سفارش کنید.»

و گاه صابران را با زبان های مختلف مورد تشویق و بشارت قرار می دهد، مانند: «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»؛ (25) «به صابران بشارت ده.»

«وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ»؛ (26) «خداوند صابران را دوست دارد.»
«إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»؛ (27) «براستی خداوند با بردباران است.»
و در آیه ای دستور می دهد که از صبر استمداد بجویید: «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ»؛ (28) «از صبر یاری بجویید.»
و در برخی آیات پاداش بی حساب صبر و شکیبایی را گوشزد نموده است، مانند این آیات:
«وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ (29) «و به کسانی که صبر و استقامت پیشه کردند، مطابق بهترین اعمالی که انجام می دادند پاداش خواهیم داد.»
«نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ * الَّذِينَ صَبَرُوا»؛ (30) «چه خوب است پاداش عمل کنندگان؛ همانها که صبر و استقامت ورزیدند.»
«إِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ»؛ (31) «همانا صابران اجر و پاداش خود را بی حساب دریافت می دارند.»

صبر در روایات

در روایات هم به تعبیرات ارزشمندی درباره صبر برمی خوریم، مانند:

1. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): «الصَّبْرُ كَنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ»؛ (32) صبر گنجی از گنج های بهشت است.
2. علی (علیه السلام): «الصَّبْرُ عَوْنٌ عَلَى كُلِّ أَمْرٍ»؛ (33) صبر به [پیشرفت] هر کاری کمک می کند. و فرمود: «إِنْ صَبَرْتَ أَذْرَكْتَ بِصَبْرِكَ مَنَازِلَ الْأَبْرَارِ»؛ (34) اگر صبر کنی به مقامات ابرار می رسی.»
3. در روایتی می خوانیم: «وَالصَّبْرُ رَأْسُ الْإِيمَانِ، فَلَا إِيْمَانَ لِمَنْ لَا صَبْرَ لَهُ»؛ (35) بردباری سر ایمان است، پس هر کسی صبر نداشته باشد، ایمان ندارد.»
4. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «لَأَنَّ نَصْرَ عَلِيٍّ مَا نَعْلَمُ، وَ شِيعَتُنَا يَصْبِرُونَ عَلَيَّ مَا لَا يَعْلَمُونَ»؛ (36) ما خیلی بردباریم و شیعیان ما از ما بردبارترند، چرا که ما بر آنچه می دانیم صبر می کنیم ولی شیعیان ما بر چیزهایی که

آگاهی از [عواقب] آن ندارند شکیبایی می کنند.»

5. از حضرت مسیح (علیه السلام) نقل شده است که فرمود: «إِنَّكُمْ لَا تُدْرِكُونَ مَا تُحِبُّونَ إِلَّا بِصَبْرِكُمْ عَلَى مَا

تَكْرَهُونَ؛ (37) برآستی شما به آنچه دوست دارید نمی رسید مگر با صبر و بردباری بر آنچه بد می دارید.»

6. امام حسین (علیه السلام) فرمودند: «مَنْ أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ فَقَالَ إِذَا ذَكَرَهَا «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ» جَدَّدَ اللَّهُ

عَزَّ وَجَلَّ لَهُ أَجْرَهَا مِثْلَ مَا كَانَ لَهُ يَوْمَ إِصَابَتِهِ؛ (38) هر کسی مصیبتی به او رسد، پس هرگاه که به یاد آن

مصیبت می افتد بگوید: «ما از خداییم و به سوی خدا باز می گردیم.»، خداوند در روز قیامت پاداش او را [هر

مقدار که تکرار کند] به میزان پاداش مصیبتی که به او رسیده است تجدید می کند.»

7. امام صادق (علیه السلام) درباره آثار صبر فرمودند: «الصَّبْرُ يُظْهِرُ مَا فِي بَوَاطِنِ الْعِبَادِ مِنَ النُّورِ وَ الصَّفَاءِ وَ

الْجَزَعُ يُظْهِرُ مَا فِي بَوَاطِنِهِمْ مِنَ الظُّلْمَةِ وَ الْوَحْشَةِ؛ (39) صبر، آنچه را که در درون بندگان از نور و صفا وجود دارد،

آشکار می سازد، و ناشکیبایی، آنچه را که در درون آنها از ظلمت و وحشت است ظاهر می سازد.»

صبر در سیره امام حسین (علیه السلام)

اگر بنا است برای صبر و صابران الگوی کامل و جامعی معرفی نمود، یکی از آنها سرور شهیدان، حسین بن علی (علیه السلام) است که صبر را با تمام اقسام و ابعادش در زندگی و رفتار خویش به بشریت نشان داد و با سرکشیدن جام تلخ صبر و بردباری، تمام ثمرات شیرین آن را در دنیا و آخرت نصیب خویش نمود. او از کودکی در مقابل فقر و نداری، مصائب مادر و پدر و برادر، ظلم های ستم گران، آوارگی از مدینه تا کربلا، تشنگی و گرسنگی، شهادت برادران و فرزندان و یاران و صدها مصیبت دیگر صبر و شکیبایی نمود تا آنجا که صبر را نیز از تحمل و بردباری خود خجل کرد. اینک به برخی از نمونه هایی که در تاریخ و روایات به آنها اشاره شده می پردازیم:

1. صبر در مقابل ستمگری معاویه:

پس از شهادت امام مجتبی (علیه السلام)، گروهی از کوفیان و دیگر شهرها به امام حسین (علیه السلام) نامه نوشتند و تقاضای قیام کردند. امام در جواب آنها فرمود: «همانا نظر برادرم - که خدا او را رحمت فرماید - وفاداری به پیمان صلح بود، و نظر من مبارزه و جهاد با ستم کاران است که رستگاری و پیروزی به همراه دارد، پس تا معاویه زنده است، در جای خود باشید [و صبر پیشه کنید]، پنهان کاری نمایید، اهداف خود را مخفی کنید تا مورد سوء ظن قرار نگیرید، پس هرگاه معاویه از دنیا برود و من زنده باشم، نظر نهایی خود را به شما اعلام می کند، ان شاء الله.» (40)

در نامه فوق حضرت علی رغم نظر خویش، فقط به خاطر تعهد نسبت به صلح امام حسن (علیه السلام) با

معاویه، هم خود و هم یاران خویش را دعوت به صبر و تحمل می کند. در جای دیگر فرمود: «قَدْ كَانَ صَلَاحٌ وَكَانَتْ بَيْعَةٌ كُنْتُ لَهَا كَارِهَا فَأَنْتَظِرُ مَاذَا الرَّجُلُ حَيًّا فَإِنْ يَهْلِكَ نَظَرْنَا وَنَظَرْتُمْ؛ (41) قرارداد صلح و بیعتی [بین ما] وجود دارد که خوشایند من نیست [ولی با این حال صبر و تحمل می کنم]. شما هم تا معاویه زنده است منتظر باشید، پس آنگاه که بمیرد ما و شما تجدید نظر می کنیم.»

2. صبر در مقابل اهانت به جنازه امام حسن (علیه السلام):

وقتی مراسم غسل و تکفین امام حسن (علیه السلام) تمام شد، امام حسین (علیه السلام) بر آن نماز گذارد و قصد داشت برادر را در کنار قبر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دفن کند. مروان، داماد عثمان، سوار بر قاطر شد و خود را به عایشه رساند و او را تحریک کرد که جلو این کار را بگیرد. اندکی بعد تعدادی از مخالفان به رهبری عایشه صف کشیدند و خطاب به امام حسین (علیه السلام) گفتند: سوگند به خدا نمی گذاریم حسن را در کنار قبر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دفن کنید. امام حسین (علیه السلام) فرمودند: «اینجا خانه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است و تو ای عایشه یکی از همسران نه گانه آن حضرت هستی، که اگر حق تو محاسبه شود به اندازه جایگاه قدم های خود از این خانه سهم داری.»

در اینجا بنی هاشم دست به شمشیر بردند و نزدیک بود جنگی پدید آید؛ اما امام حسین (علیه السلام) به خاطر عمل کردن به وصیت برادرشان مبنی بر اینکه خون ریزی صورت نگیرد، صبر کردند و فرمودند: «اللَّهُ اللَّهُ أَنْ تَفْعَلُوا وَتُضَيِّعُوا وَصِيَّةَ أَخِي وَقَالَ لِعَائِشَةَ: وَاللَّهِ لَوْ لَا أَنَّ أَبَا مُحَمَّدٍ أَوْصِي إِلَيَّ أَنْ لَا أُهْرِيْقُ مَحْجَمَةً دَمٍ لَدَفَنْتُهُ وَلَوْ رَغِمَ أَنْفُكَ؛ (42) خدا را، خدا را [پروا کنید]، مبادا کاری انجام دهید که وصیت برادرم ضایع گردد.» و خطاب به عایشه فرمود: «سوگند به خدا! اگر برادرم وصیت نکرده بود که مبادا قطره ای خون ریخته شود، او را [در کنار پیامبر] دفن می کردم ولو اینکه بینی تو به خاک می مالیده شود.» ولی عایشه و طرفداران او دست برنداشتند، و با برخورد مسلحانه جنازه را تیرباران کردند.

3. فقط صابران بیایند:

امام حسین (علیه السلام) هر چند یاران و اصحاب معدودی داشت، ولی این گونه نبود که هر کس را به یاری دعوت کند، و نصرت هر بی صبر و تحملی را بپذیرد؛ بلکه با صراحت اعلام کرد که فقط صابران بیایند و بمانند: «إِنَّهَا النَّاسُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ يَصْبِرْ عَلَيَّ حَدِّ السَّيْفِ وَطَعْنِ الْأَسِنَّةِ فَلْيَقُمْ مَعَنَا وَ إِلَّا فَلْيَنْصَرِفْ عَنَّا؛ (43) ای مردم! هر کدام از شما که می تواند بر تیزی شمشیر و ضربات نیزه ها صبر کند با ما قیام کند [و بماند] وگرنه از میان ما بیرون رود [و خود را نجات دهد].»

4. صبر تا مرز تنهایی:

آن حضرت در گوشه ای از نامه اش به محمد حنفیه نوشت: «فَمَنْ قَبْلَنِي بِقَبُولِ الْحَقِّ قَالَ اللَّهُ أُولِي بِالْحَقِّ وَمَنْ رَدَّ عَلَيَّ هَذَا أَصْبِرُ حَتَّى يَقْضِيَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَ الْقَوْمِ بِالْحَقِّ؛ (44) پس هرکس حقیقت مرا بپذیرد [و از من پیروی کند، راه خدا را پذیرفته و] خدا به حق اولی است و هر کس رد کند [و من را تنها گذارد] صبر می کنم تا خداوند میان من و این قوم به حق دآوری کند.»

5. روز عاشورا و صبر بی پایان:

وقتی روز عاشورا فرا رسید و فشار نظامی، تشنگی و مشکلات دیگر هجوم آوردند، یاران اطراف حسین (علیه السلام) را گرفتند و نگاه به چهره او دوختند، تا ببینند چه رهنمودی می دهد. امام حسین (علیه السلام) به راستی صحنه های بسیار زیبایی از پشت پرده های صبر را به نمایش گذاشت که به برخی موارد آن اشاره می شود:

الف) خطاب به یاران با چهره ای گشاده و با نفس آرام فرمود: «صَبْرًا بَيْنِي الْكِرَامِ فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قَنْطَرَةٌ عَنِ الْيُسْرِ وَالْضَّرَاءِ إِلَيَّ الْجَنَانِ الْوَاسِعَةِ وَالنَّعِيمِ الدَّائِمَةِ؛ (45) ای فرزندان کرامت و شرف! شکیبا باشید، مرگ پلی بیش نیست که ما را از مشکلات و سختی ها به سوی بهشت وسیع و نعمت های جاویدان عبور می دهد.» و در جای دیگر فرمود: «إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَذِنَ فِي قَتْلِكُمْ فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ؛ (46) براستی خداوند اذن کشته شدن [و شهادت شما را] داده است، پس بر شما لازم است که صبر کنید.»

ب) آن حضرت خطاب به احمد بن حسن (علیه السلام)، آنگاه که بعد از جنگ آشکار برگشت و از عمو آب خواست، فرمود: «يَا بَنِي إِصْبِرْ قَلِيلًا حَتَّى تَلْقَى جَدَّكَ فَيَسْقِيكَ شَرْبَةً مِنْ الْمَاءِ لَا تَطْمَأُ بَعْدَهَا أَبَدًا؛ (47) پسر من! مدت کمی شکیبایی کن تا جدت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را، ملاقات کنی، پس آنگاه از آبی سیرابت کند که هرگز بعد از آن تشنه نشوی.»

ج) امام حسین (علیه السلام) خطاب به علی اکبرش هنگامی که برای تجدید قوا آب خواست، فرمود: «إِصْبِرْ حَبِيبِي فَإِنَّكَ لَا تُمْسِي حَتَّى يَسْقِيَكَ رَسُولُ اللَّهِ بِكَاسِهِ؛ (48) عزیز دلم صبر کن؛ زیرا به زودی از دست جدت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سیراب می شوی.»

راستی بسیار صبر و شکیبایی می خواهد که انسان جوانش را این گونه به سوی مرگ و شهادت تشویق کند؛ آن هم جوانی چون علی اکبر که از تمام جهات به پیامبر (صلی الله علیه و آله) شباهت داشت.

| | |
|--|--------------------------------------|
| گمان مدار که گفتم برو، دل از تو بریدم | نفس شمرده زدم مهرهت پیاده دویدم |
| محاسنم به کف دست بود و اشک به چشمم | گهی به خاک فتادم گهی ز جای پریدم |
| دلم به پیش تو، جان در فغان دیده به قامت | خدای داند و دل شاهد است من چه کشیدم |
| هنوز العطشت میزد آتشم که ز میدان | صدای یا ابتای تو را دوباره شنیدم |
| پسرم! نه تیغ شمر مرا می کشد نه نیزه خولی | زمانه کشت مرا لحظه ای که داغ تو دیدم |

د) آن گاه که به درب خیمه زنها آمده و فریاد کشید: سکینه، فاطمه، زینب، ام کلثوم، خداحافظ من هم رفتم، زنها و بچه ها شروع به گریه کردند، حضرت خطاب به سکینه فرمودند: «يَا نُورُ عَيْنِي... فَأَصْبِرِي عَلَي قَضَاءِ اللَّهِ وَلَا تَشْكِي فَإِنَّ الدُّنْيَا فَانِيَةٌ وَالْآخِرَةُ بَاقِيَةٌ» (49) ای نور چشمم!... پس باید بر تقدیرات الهی صبر کنی و شکوه نکنی؛ چرا که دنیا ناپایدار و آخرت ماندگار است.»

ه) آخرین پرده ها از نمایش صبر حسین (علیه السلام): آن حضرت چون آهن آب دیده و تیغ صیقل خورده هر چه بیشتر مصیبت می دید جلا و نورانیت بیشتری پیدا می کرد. حمید بن مسلم می گوید: حسین (علیه السلام) را در سخت ترین لحظه های عاشورا و جنگ دیدم. به خدا سوگند هرگز مرد گرفتار [و مصیبت زده ای] را ندیدم که فرزندان و خاندان و یارانش کشته شده باشند در عین حال دلدار و استوارتر و قوی دل تر از آن بزرگوار باشد. چون پیادگان به او حمله می کردند، او با شمشیر بر آنها حمله می کرد و آنها از راست و چپ می گریختند؛ چنان که گله روباه از شیری فرار کند. (50) آن گاه که حضرت به زمین افتاده بود و لحظات آخر عمر خویش را سپری می کرد، آخرین پرده از شکوه و صبر خویش را با این جملات به عرصه نمایش گذاشت: «صَبْرًا عَلَي قَضَائِكَ لَا إِلَهَ سِوَاكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ وَلَا مَعْبُودَ غَيْرِكَ، صَبْرًا عَلَي حُكْمِكَ» (51) در برابر قضای تو صبر می کنم، خدایی جز تو نیست، ای پناه پناه آورندگان، و معبودی جز تو وجود ندارد، بر حکم تو صبر می کنم.»

3. خدمت گزاری

از دیگر اوصاف انسانی، که نشانگر رشد روحی افراد است، بخشش و خدمت گزاری است. خدمت به دیگران راه میان بری است برای رسیدن به خدا و کمالات معنوی و همین طور راز موفقیت در همین دنیا است؛ به همین جهت در منابع دینی سخت روی خدمت گزاری و دستگیری از دیگران تکیه و تاکید شده است.

خدمت گزاری در قرآن

در فرهنگ قرآن مصادیق خدمت گزاری را در مسائلی همچون انفاق، احسان، امداد، حمایت از محرومان و مظلومان و قضای حاجت، قرض الحسنه و... می توان جستجو کرد که به برخی از آنها اشاره می شود:

1. انفاق به دیگران: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ...»؛ (52) «هرگز به نیکوکاری نمی رسید مگر اینکه از آنچه دوست می دارید، انفاق کنید.»
2. احسان: «وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»؛ (53) «احسان کنید که خداوند نیکوکاران را دوست می دارد.»
3. امداد دیگران: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى»؛ (54) «در راه نیکی و تقوا با هم تعاون کنید.»

| | |
|-----------------------------------|------------------------------|
| دانی که چرا خدا به تو داده دو دست | من معتقدم که اندر آن سری است |
| یک دست به کار خویشتن پردازی | با دست دگر ز دیگران گیری دست |

4. حمایت از مظلومان:

«وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ»؛ (55) «شما را چه شده است که در راه خدا [و برای نجات] مردان و زنان و کودکانی که [به دست ستمگران] تضعیف شده اند پیکار نمی کنید.»

خدمت رسانی در روایات

در روایات هم از خدمت رسانی و خدمت گذاری با تعبیرات مختلف تشویق و بر آن تاکید شده است که به نمونه هایی اشاره می شود:

- امام صادق (علیه السلام) فرمود: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ وَهَبَ اللَّهُ لَهُ مَالًا فَلَمْ يَتَصَدَّقْ مِنْهُ شَيْئًا»؛ (56) از رحمت خدا دور است، از حمت خدا دور است کسی که خداوند به او مالی عنایت کند، ولی چیزی از آن صدقه ندهد.»
2. پیامبراکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ»؛ (57) رئیس و آقای هر قومی، خدمت گزار آن قوم است.»
3. امام علی (علیه السلام) فرمودند: «السَّيِّدُ مَنْ تَحَمَّلَ أَثْقَالَ إِخْوَانِهِ»؛ (58) آقا کسی است که بار مشکلات سنگین برادران دینی خود را به دوش کشد.»

خدمت گزاری در سیره حسین بن علی (علیه السلام)

1. اندیشه سازی امام حسین (علیه السلام) نه تنها انفاق و خدمت گزاری را در جامعه آن روز به نحو احسن و اعلی انجام می داد بلکه تلاش داشت اندیشه عالی و دیدگاه بلند خویش را درباره خدمت رسانی به جامعه اسلامی القاء نماید. برای تحقق همین امر است که فرمودند: «ای مردم! با ارزش های والای اخلاقی زندگی کنید و برای به دست آوردن سرمایه های سعادت شتاب کنید، کار خوبی را که برای آن شتاب نکردید به حساب نیاورید، ستایش را با کمک کردن به دیگران به دست آورید، با کوتاهی کردن سرزنشها را به جان نخرید، اگر نیکی به کسی روا داشتید و آن شخص قدردانی نکرد نگران نباشید؛ زیرا خداوند او را مجازات خواهد کرد، و خدا بهترین پاداش دهنده و بهترین هدیه دهنده است.» آن گاه فرمودند: «إِعْلَمُوا أَنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، فَلَا تَمْلُؤُوا النَّعَمَ فَنُحُولَ إِلَى غَيْرِكُمْ؛ (59) بدانید نیازهای مردم به سوی شما، از نعمتهای پروردگار برای شما است؛ پس نعمتها را [پس نزنید و] از دست ندهید که دچار عذاب الهی می شوید.»
- امام حسین (علیه السلام) در ادامه همان حدیث باز به اندیشه سازی می پردازد و می فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ! مَنْ جَادَ سَادَ، وَمَنْ بَخَلَ رَذُلٌ، وَإِنَّ أَجَوَدَ النَّاسِ مَنْ أَعْطَى مَنْ لَا يَرْجُوهُ؛ (60) ای مردم! هر کس بخشش کند، سروری کند و هر کس بخل ورزد، پستی کرده است، و همانا بخشنده ترین مردم کسی است که به انسانی کمک کند که [به او] امیدی نداشته باشد.»
- همچنین آن حضرت درباره پاداش و پی آمد خدمت گزاری فرمودند: «مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ - فَكَأَنَّمَا عَبَدَ اللَّهَ تِسْعَةَ آلَافِ سَنَةٍ صَائِمًا نَهَارَهُ قَائِمًا لَيْلَهُ؛ (61) کسی که برای برطرف کردن نیاز برادر مؤمنش تلاش کند، گویا خدا را نه هزار سال عبادت کرده است که روزه دار و شبهائیش را بیدار بوده است.»
- چنان که در روایت دیگری فرمود: «إِنَّ الْمَسْأَلَةَ لِاتِّجِلَّ إِلَّا فِي إِحْدَى ثَلَاثٍ دَمٌ مُفْجَعٌ أَوْ دَيْنٌ مُفْرَحٌ أَوْ فَقْرٌ عُدْقِعٌ؛ (62) کمک خواستن از دیگران حلال نیست مگر در سه مورد:
1. [پرداخت] خون بها، 2. دین و قرض کمرشکن، و 3. فقر ذلت بار.»

2. خدمت گزاری در عمل

در ذیل نمونه هایی از خدمت گزاری امام حسین (علیه السلام) را بر می شمیریم بدان امید که از آن امام خدوم الگو گیریم.

الف) مردی از انصار نزد امام حسین (علیه السلام) آمد. می خواست نیاز خود را مطرح کند، ولی امام حسین (علیه السلام) به او فرمودند: «يَا أَخَا الْأَنْصَارِ صُنْ وَجْهَكَ عَنْ بَذْلَةِ الْمَسْأَلَةِ وَارْفَعْ حَاجَتَكَ فِي رُقْعَةٍ فَإِنِّي آتٍ فِيهَا مَا سَأَلَكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ ای برادر انصاری! آبرویت را از اینکه آشکارا درخواست کنی نگهدار و درخواست خود را به صورت کتبی عرضه کن، و من نیز طوری عمل می کنم که زمینه شادی و خوشحالی تو فراهم شود، ان شاء الله.»

آن مرد به حضرت چنین نوشت: ای اباعبدالله! فلانی از من پانصد دینار [سکه طلا] طلبکار است و برای دریافت آن پافشاری می کند. با او گفتگو فرمایید تا زمان میسر شدن مهلت دهد.

هنگامی که امام حسین (علیه السلام) نامه را خواند، به منزل خود رفته، کیسه ای که در آن هزار دینار بود آورد و به او داد و سپس فرمود: «پانصد سکه آن را به قرضت بده و پانصد سکه دیگر را کمک خرج زندگی خود ساز و حاجت خود را فقط با سه گروه مطرح کن: دیندار، جوانمرد، و ریشه دار [و آن که از نظر خانوادگی اصالت دارد]. اما دیندار برای حفظ دین خود حاجت تو را برآورده می سازد و جوانمرد از مردانگی خود شرم می کند و انسان ریشه دار می داند که تو با این رو انداختن به او، از آبرویت مایه گذاشتی، لذا با برآوردن نیازت آبروی تو را حفظ می کند.» (63)

به جهت همین حفظ آبروی افراد بود که تمام ائمه ما از جمله امام حسین (علیه السلام) شبانه و مخفیانه و سر و صورت بسته به فقرا کمک می کردند.

ب) حضرت امام حسین (علیه السلام) آن قدر کمک و خدمت رسانی به فقراء داشت که پشت و بازویش زخم شده بود. از شعیب بن عبدالرحمان خزاعی نقل شده است که: «وَجَدَ عَلَى ظَهَرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ يَوْمَ الْطُفِّ أَثَرُ فَسَأَلُوا زَيْنَ الْعَابِدِينَ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ هَذَا مِمَّا كَانَ يَنْقُلُ الْجِرَابَ عَلَى ظَهَرِهِ إِلَى مَنَازِلِ الْأَرَامِلِ وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ؛ (64) بر پشت امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا اثر [زخمی] یافت شد، پس از امام زین العابدین (علیه السلام) درباره آن سؤال کردند، حضرت فرمود: [این اثر] مربوط به انتقال بارها است که حضرت [شبانه] به منزل بی سرپرست ها و یتیمان و فقیران می برد.»

ج) روزی امام حسین (علیه السلام) برای عیادت «اسامة بن زید» به خانه او رفت که سخت بیمار بود، وقتی نگاه او به امام افتاد آهی کشید و از اندوه خود یاد کرد. حضرت فرمودند: «وما غمک یا اخی؟ ای برادر! چه اندوهی داری؟»

اسامه عرض کرد: اندوه من قرض فراوان است. من شصت هزار درهم بدهکارم. حضرت فرمودند: «ادای دین تو بر عهده من است.» اسامه گفت: می ترسم از دنیا بروم و قرض من پرداخت نگردد. حضرت فرمودند: «لن تموت حتی اقضیها عنک؛ پیش از آنکه مرگ تو فرا برسد من قرض تو را می پردازم.» (65)

د) روزی امام حسین (علیه السلام) با جمعی از دوستان وارد باغ خود در مدینه شد. غلام آن حضرت به نام «صافی» نگهبان آن بود. امام به گونه ای وارد شد که غلام متوجه او نشد، حضرت دید او مشغول غذا خوردن است، روش غذا خوردن او امام را به خود جلب کرد؛ زیرا او هر قرص نانی که برمی داشت نصف آن را به سوی سگی که در پیش روی او بود می انداخت.

ناگهان غلام متوجه آمدن حضرت شد. حضرت پرسیدند: چرا در غذا خوردن هر قرص نانی که برمی داشتی نصف آن را به سگ باغ می دادی؟ غلام عرض کرد: من غلام شما و نگهبان این باغم و این سگ نیز نگهبان این باغ است. وقتی سفره انداختم، در مقابل من نشست و به من نگاه می کرد. من حیا کردم که او گرسنه باشد و من غذا بخورم، از این رو هر قرص نان را مساوی تقسیم کردم.

حضرت از پاسخ غلام به گریه افتاد و فرمود: «إِنْ كَانَ كَذَلِكَ فَأَنْتَ عَتِيقٌ لِلَّهِ تَعَالَى وَوَهَبْتُ لَكَ أَلْفِي دِينَارٍ؛ اگر چنین است تو را در راه خدا آزاد کردم و دو هزار دینار نیز به تو بخشیدم.»

غلام گفت: اگر مرا آزاد کنی من دست از تو برنمی دارم و باغبان تو در این باغ میمانم. وقتی امام وفاداری او را دید، همه باغ را به او بخشید و فرمود: «انسان بزرگوار باید عمل او گفتارش را تایید کند... این باغ را با آنچه در آن است بتو بخشیدم، پس دوستان مرا میهمانان من به حساب آور و به آنان احترام بگذار، خدا تو را در روز قیامت کرامت ببخشد، و اخلاق نیکو و ادب تو را مبارک گرداند.» (66)

- (1) احزاب/21.
- (2) محمدباقر مجلسی، بحارالانوار (بیروت، دار احیاء التراث العربی)، ج 44، ص 381.
- (3) بقره/20 و 218.
- (4) آل عمران/169.
- (5) بقره/262.
- (6) انعام/162.
- (7) بقره/207.
- (8) هل اتی (انسان) 7/ - 8.
- (9) محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، سیدحمید حسینی (قم - دارالحديث، 1380، چاپ دوم).
- (10) محمدی ری شهری، کیمیای محبت (دارالحديث، چاپ سوم، 1378)، ص 185.
- (11) منتخب میزان الحکمه (همان)، ص 520، روایت 6322.
- (12) همان.
- (13) همان، ص 220، روایت 2615؛ بحارالانوار، ج 71، ص 208، حدیث 17.
- (14) همان، ص 221، روایت 2637.
- (15) موسوعة (همان)، ص 276.
- (16) همان.
- (17) همان، ص 287؛ بحار، ج 44، ص 328؛ فرهنگ سخنان امام حسین (علیه السلام) (همان) ص 385؛ مقتل الحسین، خوارزمی، ج 1، ص 186.
- (18) بحارالانوار، ج 44، ص 366؛ فرهنگ سخنان امام حسین، ص 274؛ عوالم بحرانی، ج 17، ص 216.
- (19) سوگنامه آل محمد (صلی الله علیه و آله)، ص 359؛ منتهی الامال، (علمیه اسلامیة)، ج 1، ص 286.
- (20) بحارالانوار، ج 86، ص 313، حدیث 65؛ فرهنگ سخنان امام حسین (علیه السلام) (همان)، ص 316.
- (21) بحارالانوار، ج 71، ص 93.
- (22) لقمان/17.
- (23) غافر/55.
- (24) عصر/3.
- (25) بقره/55.
- (26) آل عمران/146.
- (27) بقره/153.
- (28) بقره/45.
- (29) نحل/96.
- (30) عنکبوت/58.
- (31) زمر/10.
- (32) محجة البيضاء، ج 7، ص 17.

(33) غررالحكم، حديث 765.

(34) همان، ح 3713.

(35) بحارالانوار، ج 70، ص 183 و ج 71، ص 67 و 92؛ وسائل الشيعه، ج 2، ص 903.

(36) كافي، ج 2، ص 93؛ وافي، ج 4، ص 340؛ بحارالانوار، ج 24، ص 216 و ج 71، ص 80 و 84.

(37) محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، سيدحميد حسيني (قم، دارالحديث، 1380) ص 287، روايت 3439.

(38) همان، ص 487 حديث 331؛ معجم الكبير، ج 3، ص 131؛ كنز العمال، متقى هندی، ج 3، ص 300.

(39) بحارالانوار، ج 68، ص 90، ح 44.

(40) فرهنگ سخنان امام حسين (عليه السلام)، ص 120؛ انساب الاشراف، ج 3، ص 151، حديث 13.

(41) فرهنگ سخنان امام حسين (عليه السلام)، (همان) ص 135، حديث 82؛ انساب الاشراف، ج 3، ص 150، حديث 10.

(42) اصول كافي، ج 1، ص 302، حديث 3؛ بحار، ج 44، ص 174؛ فرهنگ سخنان امام حسين (عليه السلام)، ص 483 - 486.

(43) فرهنگ سخنان امام حسين (عليه السلام) (همان)، ص 44؛ ينابيع المودة، ص 406.

(44) بحارالانوار، ج 44، ص 329؛ عوالم بحراني، ج 17، ص 179؛ فرهنگ سخنان امام حسين (عليه السلام)، ص 570.

(45) لهوف، ابن طاووس، ص 26؛ كشف الغمة، اربلي، ج 2، ص 29؛ فرهنگ سخنان امام حسين (عليه السلام)، ص 274.

(46) معاني الاخبار، صدوق، ص 288؛ كامل الزيارات، ص 37؛ اثبات الوصية، ص 139؛ فرهنگ سخنان امام حسين (عليه السلام)، ص 282، حديث 185.

(47) موسوعه (همان) ص 469؛ ينابيع المودة، ص 415؛ ناسخ التواريخ، ج 2، ص 331.

(48) مقاتل الطالبين، ص 115؛ بحار، ج 45، ص 45؛ اعيان الشيعه، ج 1، ص 607؛ موسوعة كلمات الامام الحسين (عليه السلام) (همان) ص 462.

(49) ناسخ التواريخ، ج 2، ص 360؛ اسرارالشهادة، دربندی، ص 423؛ موسوعة، ص 490.

(50) ترجمه ارشاد مفيد، ج 2، ص 616؛ لهوف، ص 119.

(51) اعيان الشيعه، ج 1، ص 610.

(52) آل عمران/92 و ر. ك: بقره/254، بقره/272، حديد/7، سبا/39.

(53) بقره/195 و نحل/16 و زمر/10.

(54) مائده/2.

(55) نساء/75 و 98.

(56) منتخب میزان الحکمة (همان) ص 512، روايت 6238.

(57) شيخ صدوق، من لايحضره الفقيه، ج 4، ص 326.

(58) عبدالواحد آمدی، غررالحكم، شماره 9621.

(59) كشف الغمة، ج 2، ص 29؛ بحارالانوار، ج 78، ص 121، حديث 4؛ اعيان الشيعه، ج 1، ص 620؛ فرهنگ

- سخنان امام حسين (عليه السلام) (همان)، ص 82، حديث 32.
- (60) كشف الغمه، ج 2، ص 29؛ فرهنگ سخنان امام حسين (عليه السلام) (همان) ص 82.
- (61) بحارالانوار، ج 74، ص 315، حديث 73؛ فرهنگ سخنان امام حسين (عليه السلام)، ص 84، حديث 33.
- (62) موسوعة كلمات الامام الحسين (عليه السلام)، ص 759 - 760.
- (63) تحف العقول، ص 430.
- (64) منتخب ميزان الحكمه (همان) ص 45، روايت 501.
- (65) بحارالانوار، ج 44، ص 189، حديث 2.
- (66) بحارالانوار، ج 44، ص 194، حديث 4.